

خیلواکی



استقلال

[www.esteqaal.net](http://www.esteqaal.net)

۱۹ مارچ، ۲۰۲۳

ملالی موسی نظام

جنایتی شرم آور در آستانه تجلیل از سال نو هجرت حضرت پیغمبر

این حادثه فجیع بنیاد حقوق زن را از ریشه نابود نمود!

۲۱ مارچ، ۲۰۱۵



زنم که ناله من خفته در گلوی منست زنم که شام سیه صبح آرزوی منست

نادیه انجمن، زنی که سبانه بدست شوهر به قتل رسید

(این غمناکه حالت فجیع و بیسابقه قتل یک زن بی دفاع و بینوای افغان را در مظهر عام و ذریعه هموطنانی به تصویر میکشد که از مروت و شرافت انسانی و اخلاقی و ترحم افغانی بویی نبرده بودند. در آوانیکه این فاجعه بشری در شهر کابل و در چند فرسخی ارگ ریاست جمهوری به صورت ددمنشانه در حضور مأمورین امنیتی اعم از پولیس و اردو و رهروان و ناظرینی قسی

القلب رخ داد، سطوری ازین قلم منتشر گردید که فقط ساعاتی ازین تراژیدی انسانی میگذشت. بنا برین، گرچه همه ساله از آن دختر مظلوم افغان و سرنوشت خونین وی با حسرت و درد یاد آور میگردیم، مخصوصاً که این حادثه جانگداز دقیقاً بازخواستی متناسب به جرم و جنایتی چنین فجیع در قبال نداشت که جریانات وابسته به عدالت و پیگیری قضایی را باید علیحده تقدیم نمود. ولی عجالتاً همان مطلبی را که در آن روز سیاه و شوم پیشکش هموطنان گردید، یکبار دیگر تقدیم میداریم. ناگفته نباید گذاشت که مضمون آموزنده و عالی دانشمند خبره و دختر وطنپرست افغان شادروان مرجان کمال تحت عنوان «نگاه دوباره در مورد سنگسار کردن و قتل یک دختر جوان در کابل» هم در استقلال خپلواکی فابل مطالعه و شریک ساختن با دوستان میباشد. روحش شاد و یاد عزیزش گرامی باد.)

در شب و روزیکه مردم افغانستان برای تجلیل از سال نو هجری شمسی به استقبال از نوروز باستانی، سردی و تاریکی زمستان را پشت سر میگذاشتند، حادثه دلخراش و غیر انسانی ایکه از شنیدن آن لرزه بر اندام هر انسان، افغان و مسلمان می افتد، شهر کابل را در خود فرو برد. بلی در همین پایتخت افغانستان که چند ماه قبل با هزار مشکلات مردمش از زن و مرد با رنگ کردن انگشت خواستند به جهانیان نشان دهند که شعور سیاسی و آگاهی به حقوق شان را دقیقاً جنگ ها و بدبختیها به آنان آموخته و حال گوشه هایی از دیموکراسی را با دادن رای تجربه می نمایند، زن مظلومی که شاید با مشکلات روانی سردچار بوده است، «متهم» به سوختاندن اوراق قرآن مجید میگردد و بدون مداخله قوای امنیتی، بدست گروهی جنایتکار از خدا بیخبر با شرایط غیر بشری ابتداء سبعانه به قتل میرسد و بعد جسدش به شعله های آتش سپرده میشود. آفرین به انسان متمدن و قضاوتی که «اجرای» چنین عدالت سخیفانه ای را در قبال داشته است. خبر استخوان سوز بصورت پراکنده چنین در مطبوعات داخلی نشر شده است:

**((مقامهای امنیتی در کابل می گویند که مردان خشمگین در مرکز شهر کابل، یک زن را که گفته شده قرآن را آتش زده بود، کشتند و بعد جسدش را سوزاندند.**

شمار زیادی از کاربران فیسبوک که ویدئوهای این حادثه را دیده اند، از کم کاری پلیس شاکی اند. صدیق صدیقی، سخنگوی وزارت داخله افغانستان به بی بی سی گفت که بخشی از تحقیقاتی که آغاز شده مربوط به عملکرد پلیس در ارتباط با ماجرای کشتن و سوزاندن فرخنده می شود.

تلویزیون های خصوصی در کابل تصاویری از جسد سوزانده شده این زن را منتشر کرده اند.

در ساعت نخست این حادثه، صالح محمد، فرمانده یکی از حوزه‌های امنیتی پایتخت افغانستان به بی‌بی‌سی گفت: "این حادثه زمانی روی داد که یک زن، نسخه‌ای از قرآن را به آتش کشید و ده‌ها تن از رهگذران با سنگ و چوب به او حمله کردند و او را کشتند." او گفت که پلیس در محل نتوانسته مانع اقدام مردان خشمگین شود.

ویدئوهایی از جریان لت و کوب و سپس سوزاندن جسد این زن در شبکه‌های اجتماعی مخصوصاً فیسبوک به شکل گسترده‌ای منتشر شد که دیده می‌شود که پلیس کاری انجام نمی‌دهد.

یکی از شاهدان عینی محل حادثه به بی‌بی‌سی گفت: "آنها «مردم» او را لت و کوب کردند و کشتند بعد جسدش را به رودخانه «بستر خشک رودخانه» انداختند و سوزاندند. آتش نشان‌ها بعداً آمدند و آتش را خاموش کردند و جسدش را بردند."

تلویزیون طلوع به نقل از خانواده زن کشته شده گفته که نامش فرخنده است و در ۱۶ سال گذشته مشکل روانی داشته است. خانواده این زن به تلویزیون طلوع گفته‌اند که او قصد سوزاندن قرآن را نداشت.



این بود شمه‌ای از چنین جریان

اسفباری که در کابل، پایتخت افغانستان با موجودیت بی‌شمار قوای امنیتی و سالها آموزش و تربیت و وظیفه‌شناسی آنان در حفظ امنیت و پشتیبانی از مظلوم «زنی بی‌دفاع»، به مقابل مشتی ظالم «ددمنشانی که در لباس انسان» ظاهر گردیده بودند، در روز روشن رخ داد! درین جریان یقین است که ده‌ها مأمور پلیس مسلح منحنیث سیر بین اعمال غیر انسانی و وحشیانه گروه آدم‌کش وحشی را نظاره مینمودند. اگر عدالتی را انتظار ببریم، اولتر این گدی‌گک‌های ترسوی یونیفورم پوش را باید موردموآخده و بازخواست قرار داد و بعد به سراغ چهره‌های شناخته شده‌ای در کرسی‌های مختلفه دولت افغانستان رفت که آبرو نا دیده، موزه از پا در آورده‌اند. بلی از باور و انصاف بدور است که از صاحب منصب وزارت داخله تا خانه‌نمایندگان ملت و مؤظفین پیشبرد امور دولت، اشخاصی که در کرسی‌های نشان‌دار و نامداری لم داده‌اند، تا بحال ندانسته‌اند که هر عمل سوئی که در اجتماع رخ میدهد، آخرین مرحله عدالت و بازخواست جزای مجرم است که به حکم محکمه با صلاحیت جرم وی تثبیت شود، یعنی که با تعصب و عجله جاهلانته‌شان اجازه درک این ماده قانون

را برای خود ها نداده اند که «برائت حالت اصلی است، مگر اینکه به حکم محکمه با صلاحیت، ضد آن به اثبات مجرم بودن متهم صادر شود.» دردا که زانی را هم می بینیم که بی خردانه و ظالمانه بر مسند قضاوت تکیه داده و حکم صادر مینمایند. حال میرویم به سراغ قانون شکنان متعصبی که دست عمال جنایتکار «داعش» را از پشت بسته اند:

(( زلمی زابلی، رئیس کمیسیون شکایات مجلس سنای افغانستان، در صفحه فیسبوکش عکس چهره خونین فرخنده را گذاشته و نوشته است: " این همان چهره وحشتناک کسی است که امروز هموطنان ما او را به سزای اعمالش رساندند و ثابت کردند که افغان‌ها تنها خواهان کشورخود و اسلام هستند. استعمار، ارتداد و جاسوسان را نمی توانند تحمل کنند". آقای زابلی این پست را بعداً حذف کرد. سیمین حسن‌زاده، معاون وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان، در یک پست مرتبط فیسبوکی نوشته است: "هیچ نیرویی در برابر ایمان راسخ مردم مان تاب مقاومت ندارد. با جان و دل از باورهای دینی‌مان پاسداری خواهیم نمود." او سپس از آیه ای از قرآن را نوشته که می گوید ما «خدا» خود قرآن را نازل کردیم و از آن حفاظت می کنیم.

تلاش بی‌بی‌سی برای گفتگو با خانم حسن‌زاده به نتیجه نرسید.

حشمت استانکزی، که در روزهای گذشته به عنوان سخنگوی پلیس کابل با رسانه ها صحبت می کرد در مورد کشتن و سوزاندن «فرخنده» در فیسبوکش نوشت: "این هم «فرخنده» فکر کرده بود مانند چند تن مرتد دیگر با این نوع عمل و توهین، تابعیت آمریکا و اروپا را به‌دست می‌آورد اما قبل از رسیدن به هدف، جان خود را از دست داد. به دوستدارانش تسلیت می‌گویم".

حالا آقای استانکزی در صفحه فیسبوکش از مردم پوزش خواسته و گفته که رسانه‌ها خبر را به گونه دیگری گزارش داده بودند، اما حالا "واقعیت" را میداند ازین موضوع اندوهگین است.

کاربری به اسم شرف بغلانی در صفحه فیسبوکش نوشت که در قتل و سوزاندن "زن بی‌دین" دست داشته است. پلیس حالا این فرد را بازداشت کرده است.

شمار زیادی هم گفته اند که دولت برای حفظ اعتبارش، برای تداوم قانون، جلوگیری از "فرهنگ داعشی" در میان مردم، باید با عاملین این رویداد جدی برخورد کند.))

این زن بینوا که «فرخنده» نام داشت به شهادت فامیل مظلومش گویا از ۱۶ سال به اینطرف از مریضی روانی رنج میبرد که اتهام سوزاندن قرآن پاک که اثبات هیچ ورق آن تا بحال بدست نیامده است، هم به روش این بخت برگشته مظلوم و مرض تجرید حواس و عقل وی مربوط میگردید. درین ماجرای اُسف بار اولتر وظیفه پلیس بود که فوراً و به کمک همکاران دیگر، از آغاز عمل و عکس

العمل وظیفتاً با درایت و استعمال فیر های هوایی مردم را متفرق نموده و مجروح را از چنگ ددمنشان «نجات» می داد، ولی عکسها همه نشان میدهد که اقدام پلیس سرسری و غیر مسئولانه بوده و گویا ضاربین- قاتلین و مضروب را بحال شان رها نموده و به سیر بینان پیوسته اند.

حال که جنایتی چنین مرد سالارانه و دور از شرافت و اخلاق انسان متمدن، مسلمان و افغان متعهد به اصول و قانون رخ داده است که حتی در شورای امنیت ملل متحد از آن با افسوس و ناباوری یاد گردیده است، دولت افغانستان، مخصوصاً قسمت اجرایی آن وظیفتاً عمال درگیر درین سلاخی بیشرمانه انسانی را به جزای اعمال ناروای آنان برساند. بلی، پسندیده خواهد بود که با پیروی از حکم اعدام جنایتکاران حادثه قرغه، این متعصبینی را که چشم انصافشان را شاید اعمال سخیف آدم کشان «داعش و طالب» کور نموده است، به مجازات مشابه محکوم نموده و در حضور مردم به مرحله اجرا قرار دهد.

البته هر روز با شهادت مردم، عکاسی های گوناگون و افشای حقایق درین قضیه غیر انسانی مدهش، حقایق تلخی در زمینه این ماجرای استخوان سوز افشا و برملا می گردد که با ناباوری و افسوس، لکه های بیداد گری و ظلم دائمی را بر زن مظلوم افغان به اثبات میرساند. اینک خبر دردناک اخیر در مورد قضیه، نقل از از سایت ارزشمند «دعوت- افغان سباون»: جزئیات تازه و مستند از فاجعه دیروز "شاه دوشمشیره" غوث جانباز:

آقای عصمت قانع در رابطه به سانحه غم انگیز دیروز، امروز صبحگاهان به محل واقعه رفته و حکایت ذیل را بیان داشتند:

" همین اکنون از " شاه دو شمشیره " برگشتم، هیچگونه شواهدی دال بر آنکه کسی قران شریف را آتش زده باشد، وجود ندارد.

یک مجاور جادوگر، نعویضی را به خانمی به اسمی فرخنده ترتیب داده و گفته بود که جوانی به نام شاه آقا بالای او عاشق می شود و خواستگار می فرستد. مجاور جادوگر در بدل « تعویذ» مذکور ده هزار افغانی از « فرخنده» نام دریافت داشت و ضمانت نموده بود که هرگاه تا ده روز «تعویذ» اثر گزار واقع نشود، بیا و پولت را پس بگیر!

در این میان یک ماه سپری شد و تعویض هیچ اثری نکرد. فرخنده دیروز رفته بود تا پول خود را از مجاور واپس بگیرد...

حین گفتگو میان مجاور جادوگر و فرخنده مشاجره لفظی رُخ میدهد، زن تعویذ را بالای شعله های اشتوپ گازی میاندازد. ملا در اینوقت فریاد سر میدهد که زن قران را آتش زد...))

این بود جریان فاجعه درد آوری از پایتخت افغانستان که روبروی مسجد و زیارت با عظمت «شاه دوشمشیره ولی» که ارزش تاریخی دارد و هزاران مراسم مذهبی و مجالس فاتحه با اشتراک صد ها هزار هموطن در اعصار مختلفه در صحن مقدس آن صورت گرفته، دور از کرامت انسانی و اخلاق پسندیده بشری و اسلامی و افغانی واقع شده است. تا بحال هیچ اثباتی و تصویری از سوختاندن اوراق قران عظیم الشان در دسترس نیست که بتواند که علت اقدام به این جنایت فجیع را برای مردم بیان نماید.....جنایتی که با کور مغزی و قضاوت جاهلانۀ زن ستیزی، با بیرحمی عصر بربریت سازمان دهی گردید و دردا که اولیای امور وابسته به فیس بوک ها و مطبوعات هم دست از پا دراز تر درین فاجعه غیر انسانی حصه گرفتند. با وقوع چنین حوادث شرم آور و عکس العمل های دور از کرامت انسانی، چگونه باید از نوروز و سال نو به خوشی استقبال نمود و با توانمندی از آغاز ورق دیگری از هجرت پیامبر اسلام به پیش رفت.

**نوت:** راپور های مختلفه از بی بی سی و مطبوعات گوناگون افغانی اقتباس گردیده است. لطفاً برای مطالعه مضمون آموزنده و ارزشمند شایروان «مرجان کمال» بر لینک آتی کلیک نمایید.

<https://0372598.netsolhost.com/images/Marjan-kamal-negaah-e-dobaara.pdf>

پایان